

Protection of Debtors on Assignment with a View to the Laws of Iran and England and the Principles of European Contract Law

**Mohamad-Hossein
Taghipour***

Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty
of Law and Political Science, University of
Mazandaran, Babolsar, Iran.

**Seyedeh Tahereh
Mosavi Khatir**

Ph.D Student of Private Law, Faculty of Law and
Political Science, University of Mazandaran, Babolsar,
Iran.

Abstract

Any right, whether positive or negative, can be transferred. Assignment means that all or a part of the existing obligation is transferred to one or more persons with the agreement of the assigner and the assignee without obtaining the consent and agreement of the debtor, for compensation or free of charge. The person who becomes the owner of the obligation after the assignment can use all the attributes and benefits of that obligation. One of the basic issues in the discussion of the assignment is the debtor's rights and the way to protect their rights in the assignment. The review of domestic laws shows the ambiguities and gaps of this legal entity, and the resolution of these ambiguities and gaps depends on comparative study. Therefore, this research with a comparative study aims to answer the question of what are the rights of the debtor in the assignment and how can the rights of the debtor be protected at the time of the assignment? In this research, in a descriptive and analytical way, the voluntary assignment and the way of protecting the rights of the debtor in the assignment in the legal system of Iran and English law and the principles of European contract law will be dealt with, which is appropriate considering the countless gaps in this matter. Iran's legal system benefited from the achievements of other legal systems, especially the principles of European contract law, which is an international document, and its basic foundations are based on European common law, in order to improve and eliminate gaps.

* Corresponding Author: mh.taghipour@umz.ac.ir

How to Cite: Taghipour, M. H., & Mosavi khatir, S. T. (2023). Protection of Debtors on Assignment with a View to the Laws of Iran and England and the Principles of European Contract Law. *Private Law Research*, 12(45), 201-235. doi: 10.22054/jplr.2024.73925.2752.

By referring to some laws such as Articles 746 and 321 of the Civil Code, Article 38 of the Insolvency Law, and Article 26 of the Insurance Law, it is possible to prove the existence of assignment in Iran's legal system and its independence and distinction from the legal institution of Novation. According to this research, the legal rules about assignment should be set in such a way as to protect the debtor. The first way to protect the debtor is the non-assignment clause in contracts, which is accepted in all three legal systems. In addition, there is a general rule in the assignment that the assignee cannot have more rights than the assigner, or even in some cases may have fewer rights than the assigner, which ultimately owes the benefits of this general rule. In addition, if the assignment takes place between the assigner and the assignee and the debtor takes action to fulfill the obligation to the assigner before receiving the official notification, in this situation, the obligee will not re-enforce the obligation and leave the resulting loss to the parties. In the rule of *Prior Tempore Potior Jure*, the first assigner is based on the date of assignment, and in the rule that was adopted in the case of *Dearle v Hall*, the date of written notice to the debtor is the criterion for determining the person entitled to enforcement.

In the British legal system and the principles of European contract law, a written notice to the debtor about the assignment is mandatory, but there is no provision in Iranian law regarding the written notice to the obligee after the assignment. This issue is also one of the important objections regarding the assignment request. Of course, according to the insolvency Law, the assignee can be released from responsibility by proving that he informed the assignment before payment or that the debtor was informed about the assignment by another means. Therefore, in Iranian law, the knowledge of the debtor is effective in transferring the claimant, and this knowledge can be realized in both written and oral ways.

So the necessity of compiling and enacting comprehensive laws in relation to the legal entity of the assignment and assigning an independent title to it in civil law considering the great importance of this legal entity and especially considering the expansion of transactions in the field of international trade and increasing the speed of exchanges, is seriously felt. Also, like English law and the principles of European contract law, in Iranian law, a written notice to the debtor about the assignment must be required in the form of a statement or by the court officers, because in this case, it avoids creating any dispute and ultimately leads to a reduction in the number of claims.


Keywords: Assignment, Iranian Law, English Law, Principles of European Contract Law, Assigner, Assignee.

حمایت از بدهکاران در انتقال طلب با نگاهی به حقوق کشورهای ایران و انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی

محمدحسین تقی پور درزی

نقیبی * 

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

سیده طاهره موسوی خطیر 

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

چکیده

به مبحث انتقال طلب، صراحتاً در نظام حقوقی ایران اشاره نگردیده است، اما با استناد به برخی از قوانین داخلی می توان وجود آن را در نظام حقوقی ایران اثبات کرد. یکی از چالش های مهم در بحث انتقال طلب، حمایت از حقوق شخص مدیون است که در این پژوهش پس از پذیرش اصل انتقال طلب، به صورت تطبیقی به بررسی این موضوع در حقوق انگلیس به عنوان یکی از نظام های حقوقی پیشرفته و همچنین اصول حقوقی قراردادهای اروپایی که یکی از اسناد مهم تنظیم شده توسط اتحادیه اروپا در راستای یکسان سازی قوانین است، پرداخته می شود. نهایتاً این نتیجه حاصل شده است که آگاهی مدیون و نحوه او از انتقال طلب، بسیار حائز اهمیت بوده و پس از آگاهی مدیون و تحقق انتقال طلب، منتقل الیه نمی تواند حقوق بیشتری نسبت به ناقل کسب نماید و یا حتی در برخی مواقع ممکن است که مالک، حقوق کمتری نسبت به ناقل داشته باشد؛ لذا ضرورت تدوین و وضع قوانینی جامع در ارتباط با این نهاد حقوقی و تخصیص عنوانی مستقل برای آن، در قانون مدنی به شدت احساس می گردد.

واژگان کلیدی: انتقال طلب، حقوق ایران، حقوق انگلیس، اصول حقوق قراردادهای اروپایی، ناقل، منتقل الیه.

مقدمه

انتقال حقوق^۱ در دو قالب انتقال طلب و یا انتقال دین، متبلور می‌گردد. ۲. این نهاد حقوقی، دارای دو چهره شخصی و مادی^۳ و سه رکن مدیون، ناقل و منتقل‌الیه است. ۴. طلب از جمله حقوق مالی بوده و اصل بر انتقال‌پذیری آن است، خواه موضوع آن پول باشد یا مال دیگر و خواه منبع آن قرارداد باشد یا واقعه حقوقی. ۵. انتقال طلب، بدین معناست که تمام یا بخشی از تعهد موجود، ۶. با صورتی که دارد با توافق ناقل و منتقل‌الیه و بدون کسب رضایت و موافقت مدیون^۷ به صورت معوض یا بلاعوض^۸ به یک یا چند شخص منتقل و موجب قائم‌مقامی در شخص موضوع تعهد می‌شود و شخصی که پس از انتقال، مالک موضوع تعهد می‌گردد،

۱. برای انتقال کل قرارداد واژه «Assignment» و برای انتقال اجزای قرارداد واژه «Transfer» استعمال می‌گردد.

۲. سکوتی نسیمی، رضا؛ غریبه، علی؛ جاوید، علی، «تأثیر انتقال تعهد اصلی بر عقود تبعی آن در حقوق ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هشتم، شماره ۴ (۱۳۹۹)، ص ۷۰.

۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - نظریه عمومی تعهدات، چاپ دهم (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۴۰۰)، ص ۲۴۶.

4. C Hartley, Trevor, "Choice of law regarding the voluntary assignment of contractual obligations under the Rome I regulation", *International and Comparative Law Quarterly*, VOL 60, issue 1, (2011), p.30.

۵. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۴۶.

6. Sebok, Anthony, "Going Bare in the Law of Assignments: When is an Assignment Champertous?", *FIU Law Review*, vol 14, Number 1, Article 9, (2020), p.86.

۷. بند ۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی

- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ هفتاد و شش (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹)، ص ۳۰۴.

- Andersons, Toms, *Can the assignment of a financial claim be regarded as a financial instrument?*, MASTER'S THESIS, RIGA Graduate school of law (2018), p.8.

۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲)، ص ۸۹.

می تواند از تمامی اوصاف و مزایای آن تعهد استفاده نماید.^۱ انتقال طلب که موضوع این پژوهش است؛ توافقی است که بر اساس آن یکی از طرفین، همان طلبی را که از شخص ثالثی دارد، بدون نیاز به اخذ رضایت از مدیون به طرف دیگر تعهد منتقل می کند.^۲ انتقال طلب به موجب عقدی صورت می گیرد که به استناد آن، طلبکار حقوق خود را به شخص ثالث انتقال داده و منتقل‌آلیه قائم مقام ناقل گردیده و در برابر بدهکار سابق، طلبکار محسوب می شود.^۳ با توجه به اینکه امکان انتقال یک‌جانبه حق، گزینه‌های طلبکاران را جهت وصول طلب افزایش داده و موجب افزایش کارایی و ارزش آن حقوق^۴ و همچنین موجب افزایش نقدینگی و کسب اعتبار بیشتر می گردد،^۵ لذا تمایل دارند تا امکان انتقال طلب برای آن‌ها فراهم گردد. به عنوان مثال، در مواردی که موضوع تعهد، پرداخت پول است و متعهد تمایلی به انجام آن ندارد، ممکن است طلبکار بخواهد حقوق خود را به شخص دیگری منتقل نموده و وصول طلب را به او بسپارد که در این صورت معمولاً وصول کننده یا همان منتقل‌آلیه طلب، تمام ارزش بدهی را به طلبکار اصلی یا همان ناقل نمی پردازد.^۶ این موضوع با گسترش

۱. بزرگمهر، داود؛ یزدانین، علیرضا، «بررسی تطبیقی نهاد انتقال ارادی طلب»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۲ (۱۳۸۸)، ص ۱۲۶.

۲. فصیحی زاده، علیرضا؛ حسینی خاتون آبادی، سید نصیر؛ فصیحی زاده، محمدمین، «تحلیل دوگانگی انتقال طلب و تبدیل تعهد به اعتبار متعهدله در حقوق ایران»، *نشریه پژوهش های حقوقی*، دوره ۲۰، شماره ۴۷ (۱۴۰۰)، ص ۲۰۱.

- Marty, Gabriel & Pierre, Raynaud & Jestaz, Philippe, *droit civil. les obligations*, T. 2. 2^é. Éd, (Sirey, 1989), p313

۳. سادات دولتی، تکتم؛ اندرز، داود؛ امیرزاده جیرکلی، منصور، «انتقال طلب در نظام حقوقی ایران و اصول قراردادهای اروپا در پرتو حقوق نرم»، *مجله حقوق پزشکی ویژه نامه نوآوری حقوقی*، پیاپی ۵۶، بهار (۱۴۰۰)، ص ۱۰۴۴.

4. Gao, Lingyun, *Flexibility in Assignment of Contractual Rights: Assignment of Account Receivables*, (2015), p 226-228.

5. Delivorias, Angelos, *Law applicable to the third-party effects of assignments of claims*, EPRS | European Parliamentary Research Service, (2022), p 1.

6. MacMahon, Paul, "Rethinkin Assignability", *the Cambridge law journal*, vol 79, issue 2, (2020), p291-292.

مراودات در حوزه تجارت بین‌الملل و افزایش سرعت مبادلات، از اهمیت به‌سزایی برخوردار گردیده و موجب طرح مسائل و مباحث و چالش‌های گسترده‌ای در رویه قضایی شده است. همانند آنچه منجر به صدور دادنامه صادره از شعبه ۹ دادگاه حقوقی تهران به شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۳۰۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۱ با خواسته اثبات انتقال چهار برگ حواله و الزام به تحویل کالای موضوع آن گردید که با دقت نظر در این دادنامه مشخص می‌گردد که میان شعبه بدوی و تجدیدنظر در خصوص اصل جواز انتقال طلب، اختلاف نظر وجود داشته است.^۱

یکی از موضوعات اساسی در بحث انتقال طلب، حقوق مدیون و نحوه حمایت از حقوق ایشان در انتقال طلب است که بررسی حقوق داخلی بیانگر ابهامات و خلأهای این نهاد حقوقی می‌باشد و رفع این ابهامات و خلأهای موجود، در گروی مطالعه تطبیقی این مهم است؛ لذا این پژوهش با مطالعه تطبیقی در صدد پاسخ به این پرسش است که حقوق مدیون در انتقال طلب چیست و چگونه می‌توان از حقوق مدیون در زمان انتقال طلب محافظت کرد؟ در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی انتقال ارادی طلب و نحوه محافظت از حقوق مدیون در انتقال طلب در نظام حقوقی ایران و حقوق انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی پرداخته خواهد شد که شایسته است با توجه به خلأهای بی‌شمار نسبت به این موضوع در نظام حقوقی ایران، از دستاوردهای سایر نظام‌های حقوقی، خصوصاً اصول حقوق قراردادهای اروپایی^۲ که یک سند بین‌المللی است و پایه‌های اساسی آن بر حقوق مشترک اروپایی^۳ استوار گردیده،^۴ جهت بهبود و رفع خلأها بهره‌مند شد.

۱. میرزائزاد جویباری، اکبر، «انتقال طلب و آثار آن»، فصلنامه رای: مطالعات آرای قضایی، شماره ۹، زمستان (۱۳۹۳). ص ۷۹-۸۷.

2. the Principles of European Contract Law (PECL)

3. jus commune

۴. قنوتی، جلیل، «اصول حقوق قراردادهای اروپایی: حامل سنت‌ها، پاسخگوی نیازها»، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، دوره صفر، شماره ۱۷ (۱۳۸۸)، ص ۶۵.

۱. پیشینه و وضعیت انتقال حقوق قراردادی

جهت استنباط و شناسایی انتقال طلب در حقوق ایران می‌توان به بند ۵ ماده ۷۴۶ و ماده ۳۲۱ قانون مدنی و ماده ۳۸ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ و ماده ۲۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ استناد و انتقال ارادی طلب را در قالب برخی عقود معین مانند بیع، حواله، صلح، معاوضه، هبه و گاهی براساس ماده ۱۰ قانون مدنی به صورت یک عقد بی‌نام تصور کرد. اما در سایر نظام‌های حقوقی از جمله حقوق فرانسه و انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی، برخلاف حقوق ایران، توجه ویژه‌ای نسبت به این موضوع صورت پذیرفته است که در ذیل به اختصار، وضعیت و سابقه تاریخی آن بیان خواهد گردید:

۱-۱. پیشینه و وضعیت انتقال حقوق قراردادی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه که متأثر از حقوق روم است، تا قبل از اصلاحات سال ۲۰۱۶ نهاد مستقلی تحت عنوان انتقال طلب^۲ شناسایی نگردیده بود و حقوق دانان انتقال طلب را نوعی توافق‌نامه می‌دانستند، اما در سال ۲۰۱۶ قانون‌گذار نسبت به قبول و پیش‌بینی قالب‌های مستقل جهت انتقال طلب در مبحث اول و دوم از فصل دوم تحت عنوان اعمال تغییرات در تعهدات، به موجب مواد ۱۳۲۱ و ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ حقوق تعهدات فرانسه، تحولی بزرگ در این خصوص رقم زد. پس از اصلاحات سال ۲۰۱۶ و به موجب بند ۳ ماده ۱۳۲۱ قانون تعهدات فرانسه، در صورتی که انتقال طلب به موجب قرارداد منع نشده باشد، با اراده طلبکار و بدون موافقت

۱. سادات دولتی، تکتم؛ اندرز، داود؛ امیرزاده جیر کلی، منصور، «انتقال طلب در نظام حقوقی ایران و اصول قراردادهای اروپا در پرتو حقوق نرم»، پیشین، ص ۱۰۵۱-۱۰۵۳ و یزدانیان، علیرضا؛ بزرگمهر، داوود، «بررسی فقهی حقوقی طرق انتقال ارادی طلب با نگاهی تطبیقی به حقوق فرانسه»، مجله علمی پژوهشی حقوق خصوصی، دوره ۸، شماره ۱ (۱۳۹۰)، ص ۱۱-۲۰.

2. Cession de créance

۳. سکوتی نسیمی، رضا؛ غریبه، علی؛ جاوید، علی، «تأثیر انتقال تعهد اصلی بر عقود تبعی آن در حقوق ایران و فرانسه»، پیشین، ص ۷۱.

مدیون تحقق می‌یابد. علاوه بر این انتقال طلب، موجب ابقای تبعی طلب و عدم سقوط توابع و وثایق از اصل تعهد می‌گردد، مگر اینکه طرفین برخلاف این موضوع با یکدیگر توافق نمایند.^۲

۲-۱. پیشینه و وضعیت انتقال حقوق قراردادی در حقوق انگلیس

در حقوق انگلیس، دادگاه‌های کامن‌لا با استناد به دو دلیل اعتقاد دارند که حقوق قراردادی، قابلیت انتقال به شخص ثالث را ندارد، نخست اینکه، حقوق قائم به شخص است و دارنده حقوق نمی‌تواند آن را به شخص دیگری منتقل کند. دوم اینکه حقوق قراردادی، جزء اموال ملموس نیست و قابلیت واگذاری به اشخاص ثالث را ندارد.^۳ با این حال این دیدگاه در دادگاه‌های انصاف مورد تردید واقع گردید و مردود شناخته شد و براساس این دیدگاه، حقوق قراردادی قابلیت انتقال به شخص ثالث را پیدا کرد.^۴ نهایتاً به واسطه اهمیت این موضوع، در سال ۱۸۷۳ قانون قضایی انگلیس تصویب گردید که به موجب آن، انتقال حقوق قراردادی به اشخاص ثالث پذیرفته شد. این مهم سبب گردید که در قوانین بعدی از جمله قانون حقوق اموال مهر تأیید دیگری بر اصل قابلیت انتقال حقوق در انگلیس زده شود و به موجب آن، منتقل‌آلیه به عنوان ذی‌نفع حقیقی قادر به اقامه دعوا به نام خویش باشد.^۶

۳-۱. پیشینه و وضعیت انتقال حقوق قراردادی در اصول حقوق قراردادهای اروپایی
علاوه بر نظام‌های حقوقی مختلف، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۲ اقدام به تدوین سندی تحت عنوان اصول حقوق قراردادهای اروپایی نموده که یکی از مهم‌ترین اسنادی است که در

-
1. Chantepie, Gael et Latina, Mathias,(2016), *La reforme du droit des obligations. Commentaire theorique et pratique dans L'ordre du Code Civil*, (Paris, Dalloz, 2016), p.740.
 2. Terre, Francois et simler, philippe et Lequette, Yves et Chenede, Francois, *droit civil, Les obligations*,(Paris: Dalloz,2019), p.1712.
 3. Pollock F. & Maitlabd F.W, *The History of English Law*, (Washington: Lawyers Literary Club, 1959). P 226
 - 4 . Treitel, G.H., *An outline of the law of Contract*, (London: Butterworths, 1989), p 56.
 5. law of property act 1925
 6. Pollock F. & Maitlabd F.W, op. cit, P 225.

زمینه قواعد عمومی معاملات توسط کمیسیون حقوق قراردادهای اروپا تنظیم گردیده است. ۱. فصل ۱۱ اصول حقوق قراردادهای اروپایی و ماده ۱۷ به قواعد و مقررات مربوط به انتقال طلب ۲ تخصیص یافته است که به موجب آن کلیه حقوق و تضمینات ناقل به منتقل‌الیه منتقل می‌گردد. مطابق مواد ۳۱۱-۳۰۱ و ۳۰۲-۳۱۱ و ۲۰۱-۱۱ اصول حقوق قراردادهای اروپایی، انتقال طلب، مشروط به اینکه توسط قرارداد ممنوع نشده باشد یا حق به گونه‌ای حق شخصی تلقی نشود، علاوه بر اینکه شامل انتقال تمامی حقوق اصلی و تبعی تضمین‌شده ناقل در مورد حق منتقل شده می‌گردد، بدون رضایت مدیون قابل انتقال خواهد بود.

۲. محدودیت‌های انتقال طلب

هرگونه حقوقی اعم از اینکه دارای جنبه مثبت یا منفی باشد، قابل انتقال است،^۵ اما انتقال حقوق و تغییر طلبکار ممکن است منجر به ضرر مدیون گردد و آثار منفی را در پی داشته باشد. با این حال با توجه به اهمیت انتقال حقوق در اقتصادهای مدرن و تهدیدی که

1. Késmárki-Mészáros, Gyöngyi, "The transfer of contract", *Cultural Relations Quarterly Review*, Vol.1, Issue 3, (2014),p 12-13.

2. Assignment of Claim

3. Article 11:301 Contractual Prohibition of Assignment

(1) An assignment which is prohibited by or is otherwise not in conformity with the contract under which the assigned claim arises is not effective against the debtor unless: (a) the debtor has consented to it; or (b) the assignee neither knew nor ought to have known of the non-conformity; or (c) the assignment is made under a contract for the assignment of future rights to payment of money.

(2) Nothing in the preceding paragraph affects the assignor's liability for the non-conformity.

4. Article 11:302 Other Ineffective Assignments

An assignment to which the debtor has not consented is ineffective against the debtor so far as it relates to a performance which the debtor, by reason of the nature of the performance or the relationship of the debtor and the assignor, could not reasonably be required to render to anyone except the assignor

5. Miller, Laurie & Sarna, Lazar, "ASSIGNMENTS OF BOOK DEBTS: PROTECTION OF THIRD PARTIES IN QUEBEC", *The Canadian Bar Review*, Vol 59, No 4, (1981),p 639.

محدودیت‌های مربوط به انتقال آن در پی خواهد داشت،^۱ خواست عمومی نسبت به کاهش محدودیت‌های مربوط به انتقال حقوق وجود دارد که با منافع واگذارکنندگان و واگذارشوندگان منطبق است. محدودیت‌های مربوط به انتقال طلب به دو دسته محدودیت‌های قانونی و محدودیت‌های قراردادی تقسیم می‌گردد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۱. محدودیت‌های قانونی انتقال طلب

در حقوق روم باستان و کامن‌لای قرون وسطی، یک حق قراردادی، به شدت شخصی تلقی می‌گردید و امکان جداسازی آن از رابطه بین طلبکار و متعهد وجود نداشت،^۲ لیکن با توسعه و گسترش مراودات حوزه تجارت بین‌الملل و ضرورت افزایش سرعت مبادلات، هم‌اکنون در پذیرش اصل انتقال حقوق قراردادی تردیدی وجود ندارد؛ بنابراین حقوق قراردادی عموماً قابل واگذاری و انتقال هستند، مگر اینکه برخی محدودیت‌ها اعم از قراردادی یا قانونی، این حق را سلب و یا محدود کند. به عنوان نمونه، این یک قاعده عمومی است که «حقوق قراردادی شخصی»^۳ بدون رضایت مدیون قابلیت انتقال را ندارد.^۴ به طور مثال، حقوق ناشر در برابر یک نویسنده، شخصی فرض می‌شود و بنابراین غیرقابل واگذاری است.^۵ در واقع حقوق قراردادی شخصی، حقوقی هستند که در آن شخصیت متعهد برای طرفین دارای اهمیت است، در حالی که در حقوق غیرشخصی، اهمیتی ندارد که چه شخصی موضوع تعهد را ایفا نماید.^۶

-
1. Allcock, BOB, "Restrictions on the Assignment of Contractual Rights", *The Cambridge Law Journal*, Volume 42, Issue 2, (2009), p 328.
 2. İpek, Mertcan, "Assignment of contractual rights and its impact on arbitration agreements", *Marmara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Hukuk Araştırmaları Dergisi* 22.1, (2016), p 522.
 3. Personal Contractual Right
 4. İpek, Mertcan, op. cit, p 521.
 5. MacMahon, paul, "Rethinkin Assignability", op. cit, p 289.
 6. John Tolhurst, Gregory, "The Assignment of Contractual Rights", *a thesis submitted in fulfillment of the requirements of the degree of Doctor of Philosophy University of New South Wales*, (2003), p 149-150.

محدودیت‌های قانونی در این واقعیت مشترک هستند که آن‌ها بر اساس قانون، مستقل از اراده بدهکار عمل می‌کنند. آن‌ها فقط به‌طور اتفاقی از بدهکاران محافظت می‌کنند و اغلب برای اهداف مختلف دیگر پذیرفته می‌شوند. از نظر تاریخی در حقوق انگلیس، به‌استثنای دوره کوتاهی بین قرن دوازدهم و سیزدهم، زمانی که بانک‌داران یهودی انحصاراً اختیار وام دادن را داشتند، دادگاه‌های کامن‌لا انتقال طلب را در عمل مجاز ندانسته و اشخاص برای رهایی از این ممنوعیت، از تمهیدات قانونی مختلفی مانند وکالت استفاده می‌نمودند که این راه‌حل به دلیل امکان عزل و کیل قبل از قبض طلب از سوی دائن اصلی، قابل اعتماد نبوده است.^۱ این روش‌ها به واگذارشوندگان اجازه می‌داد که به نام ناقل و بدون نیاز به رضایت مدیون طلب را دریافت نمایند. دادگاه‌های انصاف، خصومت دادگاه‌های کامن‌لا در خصوص انتقال طلب را «پوچ» می‌دانستند و از قرن هفدهم به واگذارشوندگان اجازه دادند برای اجرای حقوق عادلانه به نام خود در دادگاه‌های انصاف شکایت کنند؛ لذا جرعه‌های انتقال طلب عادلانه زده شد. با این توضیح که منتقل‌آلیه در این نوع انتقال طلب، امکان طرح دعوا به‌صورت مستقل را نداشته و طرح دعوا مستلزم دخالت ناقل بوده است. در سال ۱۸۷۳ قانون قضایی انگلیس^۲ وضع و در ماده ۲۵(۶) این قانون، برای نخستین‌بار به انتقال قانونی طلب اشاره گردید.^۳ در ماده ۱۳۶ قانون مالکیت ۱۹۲۵ انگلیس نیز به انتقال قانونی طلب، مشروط به تحقق سه شرط اشاره گردیده است. براساس این قانون انتقال طلب اولاً باید مطلق باشد و ثانیاً باید کتباً انجام شود و ثالثاً اخطار کتبی نیز به بدهکار داده شود.^۴ در صورت عدم

۱. سنهوری، عبدالرزاق احمد، *الوسیط فی الشرح القانون المدنی الجدید*، ج ۳، چ اول (۱۹۵۲ م)، ۴۱۷ و یزدانیان، علیرضا؛ بزرگمهر، داوود، «فقهی حقوقی طرق انتقال ارادی طلب با نگاهی تطبیقی به حقوق فرانسه»، پیشین، ص ۶.

2. Judicature Act 1873

3- John Tolhurst, Gregory, op. cit, p 110-111.

4. F.Salomons, Arthur, "Deformalisation of Assignment Law and the Position of the Debtor in European Property Law", *Centre for the Study of European Contract Law Working Paper Series No. 2007/01*, (2007), p 5 & Walton, peter, "Assignments of Book Debts – outright transfers of rights or unregistered securities?", *Wolverhampton Law Journal*, vol 1, issue 1, (2018), p 5.

تحقق هر یک از شروط مذکور در انتقال قانونی طلب، انتقال عادلانه طلب تحقق می‌یابد.^۱ در انتقال قانونی، منتقل‌آلیه می‌تواند علیه مدیون به نام خود و بدون حضور و پیوستن به ناقل، اقامه دعوا کند. در انتقال عادلانه طلب نیز منتقل‌آلیه مجاز است به نام خود از بدهکار شکایت نماید، لیکن در این حالت ناقل باید به عنوان شاکی مشترک و یا شریک مدعی علیه در طرح دعوا مشارکت کند؛ بنابراین از سال ۱۸۷۳ هر دو نوع انتقال طلب قانونی و عادلانه در دادگاه‌های کامن‌لا و انصاف اعمال می‌گردند. با این تفاوت که در انتقال طلب عادلانه، محدودیت خاصی وجود ندارد، لیکن در انتقال طلب قانونی، سه شرط فوق‌الذکر باید رعایت گردد.^۲

اصول حقوق قراردادهای اروپایی، بر الزام اخطار کتبی انتقال طلب به مدیون تأکید می‌نماید، لیکن بر اساس ماده ۱۰۴-۱۱ در اصول حقوق قراردادهای اروپایی هیچ‌گونه الزامی مبنی بر تنظیم قرارداد انتقال طلب و نیز الزامی بر کتبی بودن آن و یا رعایت هرگونه شرایط شکلی دیگری وجود ندارد و انتقال می‌تواند با هر ادله‌ای از جمله شهادت شهود اثبات گردد. همچنین عدم اخطار کتبی انتقال طلب قانونی در حقوق انگلیس موجب بی‌اعتباری انتقال طلب خواهد شد، لیکن عدم رعایت این امر در اصول قراردادهای اروپایی، موجب بی‌اعتباری انتقال طلب نخواهد شد. همچنین برخلاف حقوق انگلیس که به «Signification» اشاره دارد، در اصول قراردادهای اروپایی به «Simple Writtennotice» یا همان اخطار کتبی ساده اشاره می‌کند که دارای درجه‌ای ضعیف‌تر است.^۳ در حقوق ایران نیز انتقال حقوق قراردادی با مانع قانونی مواجه نیست و صرفاً می‌توان در خصوص انتقال حقوق قراردادی آتی (مستقل) به دلیل احتمالی و غرری بودن آن تردید

-
1. Gullifer, Louise, "Should Clauses Prohibiting Assignment be Overridden by Statute?", *The Penn State Journal of Law & International Affairs*, volume 4, issue 1, (2015), 50-53.
 2. MacMahon, Paul, "Rethinking Assignability", op. cit p303-304.
And John Tolhurst, Gregory, "The Assignment of Contractual Rights", op. cit, p 9-30.
 3. Flessner, Axel & Verhagen, Hendric, "Assignment in European Private International Law: Claims as Property and the European Commission's ROME I proposal", *EUROPEAN LAW Publishers*, (2006), p64.

نمود که با استناد به ماده ۳۹۱ قانون مدنی می‌توان بیان کرد که در صحت انتقال طلب آتی که سبب آن ایجاد شده باشد، همانند انتقال حق قراردادی موجود، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد.

۲-۲. محدودیت‌های قراردادی انتقال طلب

طرفین اصلی قرارداد می‌توانند به جای اتکا به حمایت‌های ارائه‌شده توسط قانون، امور را در دست گرفته و در مورد شرط محدودکننده انتقال طلب در قرارداد با یکدیگر مذاکره کنند. البته اعتبار محدودیت‌های قراردادی بین طلبکار و بدهکار ممکن است به چالش کشیده شود؛ زیرا در این صورت طلبکار مجاز نیست آزادانه دارایی‌های خود را واگذار نماید و علاوه بر این ایجاد محدودیت‌های در مقیاس بزرگ نیز ممکن است آثار منفی در پی داشته باشد. شروط محدودکننده و عدم انتقال طلب در قرارداد، ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد. این شروط ممکن است امکان واگذاری بدهی‌ها و حقوق قرارداد را به‌طور کامل منع و یا انتقال طلب بدون رضایت متعهد را ممنوع کند. در پرونده‌های متعددی در حقوق انگلستان،^۳ به انتقال قراردادی طلب اشاره است و در فرض عدم وجود مقررات قانونی مغایر، محدودیت‌های قراردادی انتقال طلب پذیرفته شده است. در اصول حقوق قراردادهای اروپایی، براساس ماده ۱۱:۳۰۱ به بدهکار این امکان داده شده است که هرگونه انتقال طلبی را که بر خلاف شرط عدم انتقال حقوق انجام می‌شود، نادیده بگیرد؛ مگر اینکه:

الف) متعهد به انتقال رضایت داده باشد؛ یا

ب) منتقل‌آلیه از عدم مطابقت مطلع نبوده و نمی‌بایست اطلاع داشته باشد و یا

-
1. İpek, Mertcan (2016). "Assignment of contractual rights and its impact on arbitration agreements", op. cit, p521.
 2. Bridge, Michael G, "The nature of assignment and non-assignment clauses", *Law Quarterly Review*, 132 (Jan) (2015), p15-16.
 3. *Helstan Securities Ltd v Hertfordshire County Council* [1978] 3 All ER 262 (QB)
Linden Gardens Trust Ltd v Lenesta Sludge Disposals Ltd [1994] 1 AC 85.
Also *J Cartwright 'Remedies in Respect of Defective Buildings after Linden Gardens'* (1993) 9 ConstLJ 281, 285.

ج) انتقال بر اساس قراردادی که به منظور واگذاری حقوق آتی برای پرداخت پول می‌باشد انجام شده باشد.

شایان ذکر است، متعهد ممکن است به دلایل متعددی همانند اجتناب از آثار اخطار واگذاری و جلوگیری از ساقط شدن حقوق مربوط به تهاتر و عدم مواجهه با متعهدله بیگانه، چنین شرطی را مرقوم کند.^۱

در حقوق ایران نیز به موجب ماده ۹۵۹ قانون مدنی، سلب حق مدنی به طور جزئی ممکن و سلب حق مدنی به طور کلی ممنوع و باطل است. البته اسقاط حق، در مواردی که امتیازی به موجب حکم برقرار شده و آمیخته با تکلیف یا وابسته به شخصیت و مربوط به نظم عمومی است، امکان پذیر نیست.^۲ براساس این ماده می‌توان استنباط کرد که در حقوق ایران نیز شرط منع انتقال حقوق قراردادی به غیر و سلب این حق به صورت جزئی، براساس اصل حاکمیت اراده معتبر بوده و چنین توافقی دارای منع قانونی نیست، اما هرگاه طلبکار با نادیده گرفتن شرط مزبور، نسبت به انتقال حق خویش اقدام نماید، چنین اقدامی در مقابل مدیون اثر حقوقی نداشته، مگر اینکه مدیون متعاقباً به انتقال رضایت دهد؛^۳ بنابراین در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی می‌توان با شرط منع انتقال حقوق در قرارداد، از انتقال طلب جلوگیری کرد. این شرط برای طرفین لازم‌التباع است، لیکن استثنائاتی نیز در این خصوص پذیرفته شده است.

1. Lando, Ole & Clive, Eric & Prüm, André & Zimmerman, Reinhard, *the principle of european contract law*, part III, prepared by the reccion on european contract law, (kluwer law international, the hague, London, Boston, 2003), p107.

۲. کاتوزیان، ناصر، *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، چاپ سی و ششم، ویرایش چهارم (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)، ص ۵۷۶.

۳. شعاریان، ابراهیم؛ تراپی، ابراهیم، *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)*، (تبریز: انتشارات فروزش، ۱۳۹۱)، ص ۳۹۶.

۳. حقوق و تعهدات مدیون پس از انتقال طلب

در حالی که انتقال طلب از جانب بستانکار به شخص ثالث باعث تغییر طلبکار می‌شود، لیکن ممکن است تغییراتی را در عملکرد حقّ واگذار شده، به دنبال داشته باشد؛ بنابراین بدهکار باید از مقدار حقّ واگذار شده، روش‌های اجرای آن، مانند محل اجرا، ارزش پرداختی اطلاع داشته و از تحمیل هرگونه هزینه تکمیلی و تکلیف اضافی نسبت به مدیون خودداری گردد. بخش ۱۳۶ (۱) قانون مالکیت انگلیس و ماده ۱۱:۳۰۷ (۱) اصول حقوق قراردادهای اروپایی به‌طور سنتی از بدهکاران حمایت می‌نمایند و مقرر می‌دارند که منتقل‌آلیه نمی‌تواند حقوق بیشتری نسبت به ناقل داشته باشد و در برخی شرایط حتی ممکن است حقوقی کمتر از ناقل دریافت نماید.

۳-۱. تعلق نگرفتن حقوق بیشتر به منتقل‌آلیه از سوی ناقل

پس از انتقال طلب، منتقل‌آلیه می‌تواند به نام خود علیه بدهکار طرح دعوا نماید، چون در موقعیتی قرار می‌گیرد که ناقل قرار داشته است و به همین دلیل نمی‌تواند از مدیون حقوق بیشتری از ناقل دریافت کند. این یک قاعده عمومی است که نمی‌توان تعهدات متعهد را تغییر و یا افزایش داد. برای مثال، اگر شخص «الف» مکلف به پرداخت مبلغ یکصد میلیون تومان به شخص «ب» در مکانی مشخص شده باشد، اگرچه «الف» می‌تواند طلب خویش را به شخص ثالث انتقال دهد، لیکن نمی‌تواند مبلغ بیشتر را مطالبه و یا درخواست اجرای تعهد در مکانی متفاوت از مکان توافق شده اولیه را نماید.^۲

این اصل عمومی که منتقل‌آلیه مالک حقوق بیشتری نسبت به ناقل نمی‌شود، دو جنبه دارد. جنبه اول این است که منتقل‌آلیه در موقعیتی مشابه با ناقل قرار می‌گیرد و جنبه دوم این

1. Kirby, Justine, "Assignments and Transfers of Contractual Duties: Integrating Theory and Practice", *Victoria university of wellington law review*, vol 31, no 2, (2000), p321.

2. John Tolhurst, Gregory, "The Assignment of Contractual Rights", op. cit, p193.

And Andersons, Toms, "Can the assignment of a financial claim be regarded as a financial instrument?", *MASTER'S THESIS*, RIGA Graduate school of law (2018), p15.

است که حتی اگر ناقل نسبت به حق واگذار شده، منتقل‌آلیه را جایگزین کند، منتقل‌آلیه طرف قرارداد و جایگزین ناقل نمی‌شود. این امر وجه تمایز واگذاری حقوق (که دارای دو جنبه مثبت و منفی است) از واگذاری تعهدات یا همان انتقال قرارداد می‌باشد که به موجب آن حقوق دینی به‌عنوان یکی از اجزای قرارداد به منتقل‌آلیه واگذار گردیده، لیکن تعهدات متعلقه همچنان بر ذمه انتقال‌دهنده باقی می‌ماند. درحالی‌که در نهاد انتقال قرارداد، موقعیت قراردادی ناقل به منتقل‌آلیه واگذار می‌گردد و شخصی که در انعقاد عقد دخالتی نداشته و در قالب متعاقدين نبوده است، جانشین یکی از طرفین قرارداد پایه شده و حقوق و تعهدات قراردادی (به استثنای حقوق و تعهدات شخصی) به‌طور کامل به وی واگذار می‌شود.^۱

در حقوق انگلستان در بخش ۱۳۶(۱) قانون مالکیت انگلیس، مقرر گردیده است که انتقال حقوق نباید به وضعیت بدهکار لطمه‌ای وارد کند و بیان می‌کند که حقوق واگذار شده در انتقال قانونی، همان حقوقی است که ناقل استحقاق آن را داشته است. در اصول حقوق قراردادهای اروپایی این قاعده که منتقل‌آلیه نمی‌تواند حقوق بیشتری نسبت به ناقل داشته باشد، با تفسیر ماده ۱۱:۳۰۷(۱) قابل استنباط است که به موجب آن «متعهد می‌تواند در خصوص حق منتقل شده در برابر منتقل‌آلیه به کلیه دفاعیات ماهوی و شکلی را که می‌توانسته در برابر ناقل متوسل شود، استناد نماید.»^۲ به موجب ماده ۱۱:۳۰۶ اصول قراردادهای

۱. عراقی، سید عزت‌اله؛ جلالی، حسین؛ پیرهادی، محمدرضا، «بررسی نهاد انتقال حقوق دینی در ایران، انگلیس و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، شماره ۴ (۱۳۹۷)، ص ۶۸۴.

2. Article 11:307 Defences and Rights of Set-Off

(1) The debtor may set up against the assignee all substantive and procedural defences to the assigned claim which the debtor could have used against the assignor. (2) The debtor may also assert against the assignee all rights of set-off which would have been available against the assignor under Chapter 13 in respect of any claim against the assignor: (a) existing at the time when a notice of assignment, whether or not conforming to Article 11:303 (1), reaches the debtor; or (b) closely connected with the assigned claim

3. https://www.trans-lex.org/400200/_/pecl/#head_192

4. Lando, Ole & Clive, Eric & Prüm, André & Zimmerman, Reinhard, *the principle of european contract law*, part III, op. cit, p 117-118.

5. Article 11:306 Place of Performance

اروپایی که براساس آن انتقال گیرنده می تواند محل اجرای تعهد را در دعاوی مالی در داخل همان کشور یا اگر آن کشور یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا باشد، در هر مکانی در اتحادیه اروپا تعیین کند، حقوق بیشتری برای منتقل‌آلیه نسبت به ناقل قائل گردیده است، اما در انتهای همان ماده، جهت رفع ضرر مدیون بیان گردیده که انتقال دهنده در برابر بدهکار مسئول هرگونه هزینه افزایشی است که بدهکار به دلیل تغییر محل انجام، متحمل می شود. به عبارت دیگر، در ماده ۱۱:۳۰۶، اتحادیه اروپا به عنوان یک کشور واحد تلقی گردیده است.^۱ در حقوق ایران نیز این اصل عمومی، پذیرفته شده است و با توجه به اینکه انتقال طلب به شخص ثالث بدون رضایت مدیون صورت می پذیرد، لذا نمی تواند منجر به ضرر متعهد گشته و به حقوق مکتسبه او ضرر رسانده و یا آن را از بین ببرد.^۲ در رویه قضایی ایران نیز می توان مشابه همین مهم را در دادنامه صادره از شعبه ۹ دادگاه حقوقی تهران به شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۱۳۰۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۱ شناسایی نمود؛ چراکه به موجب این دادنامه طلبکار نمی تواند بیش از آنچه خود دارد به دیگری انتقال دهد و به همین جهت، بدهکار حق دارد از هر دفاع و ایرادی که در برابر طلبکار اولیه دارد، در مقابل انتقال گیرنده استفاده کند و طلب اگر همراه با قید یا محدودیتی باشد، با همان قید و محدودیت انتقال می یابد؛ بنابراین این اصل که تعهدات متعهد پس از انتقال طلب تغییر نمی نماید و نمی توان او را ملزم به انجام اموری فراتر از تعهدات اولیه ایشان کرد، یک اصل و قاعده عمومی است که هم در

(1) Where the assigned claim relates to an obligation to pay money at a particular place, the assignee may require payment at any place within the same country or, if that country is a Member State of the European Union, at any place within the European Union, but the assignor is liable to the debtor for any increased costs which the debtor incurs by reason of any change in the place of performance.

(2) Where the assigned claim relates to a non-monetary obligation to be performed at a particular place, the assignee may not require performance at any other place.

1. Lando, Ole & Clive, Eric & Prüm, André & Zimmerman, Reinhard, op. cit, p115-116.

۲. شعاریان، ابراهیم، *انتقال قرارداد (نظریه عمومی - عقود معین)*، چاپ اول (تبریز: نشر فروزش، ۱۳۸۸)، ۲۶۳ و

نظام حقوقی انگلیس و هم در نظام حقوقی ایران و نیز در اصول حقوق قراردادهای اروپایی پذیرفته شده و از اشتراکات نظام های حقوقی مزبور است.

۳-۲. کسب حقوق کمتر توسط منتقل‌آلیه به نسبت ناقل

انتقال طلب هیچ تشریفات و صورت خاصی ندارد. انتقال طلب با تراضی ناقل و منتقل‌آلیه واقع و رضایت مدیون نیز در آن شرط نیست. در عرف نیز مرسوم است که در انتقال سند طلب به منتقل‌آلیه تسلیم می‌گردد، ولی در تحقق انتقال طلب نقشی ندارد و ضروری نیست. نکته حائز اهمیت در این خصوص، پاسخ به این پرسش است که آیا ابلاغ به بدهکار جهت مراجعه و مطالبه طلب از او الزامی است یا خیر؟ آیا ابلاغ به بدهکار شرط امکان استناد به انتقال در برابر او است یا صرفاً لازمه اجرای تعهد است؟

اولین اثر انتقال طلب در قانون انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی، لزوم اخطار انتقال به متعهد است که در هر دو مقررۀ فوق‌الذکر به آن اشاره گردیده است. برای تضمین بی‌طرفی در انتقال طلب، لازم است این حق به مدیون داده شود تا از همان دفاعیاتی که می‌توانسته در برابر ناقل استفاده نماید، در برابر منتقل‌آلیه نیز استفاده کند. در حقوق انگلیس با استنباط از بخش ۱۳۶(۱) قانون مالکیت انگلیس مصوب ۱۹۲۵ می‌توان بیان داشت که

۱. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی - نظریه عمومی تعهدات*، چاپ دهم (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۴۰۰)، ص ۲۶۳.

2. Andersons, Toms, "Can the assignment of a financial claim be regarded as a financial instrument?", op. cit, p15.

3- 136 Legal assignments of things in action.

(1) Any absolute assignment by writing under the hand of the assignor (not purporting to be by way of charge only) of any debt or other legal thing in action, of which express notice in writing has been given to the debtor, trustee or other person from whom the assignor would have been entitled to claim such debt or thing in action, is effectual in law (subject to equities having priority over the right of the assignee) to pass and transfer from the date of such notice—

(a) the legal right to such debt or thing in action;
(b) all legal and other remedies for the same; and

متعهد می‌تواند کلیه ایرادهای قابل طرح از سوی او در مقابل ناقل و همچنین هر حق تهاتری را که تا زمان وصول اخطار واگذاری در مقابل ناقل داشته است را نسبت به منتقل‌آلیه اعمال نماید. نخستین پرسش در این خصوص آن است که آیا تاریخ واگذاری، تاریخ ابلاغ به بدهکار است یا برای بدهی‌های آتی، تاریخ تعلق آنها ملاک خواهد بود؟

در اصول قراردادهای اروپایی در رابطه با لزوم ارسال اخطار در ماده ۱۱:۳۰۳ بیان گردیده است تا زمانی که متعهد اخطاری درباره واگذاری از ناقل یا منتقل‌آلیه دریافت نکرده است، با پرداخت به ناقل از تعهدش بری می‌شود و پس از اینکه متعهد اخطار مزبور را وصول نمود، فقط با پرداخت به منتقل‌آلیه از تعهدش بری می‌گردد؛^۱ لذا با توجه به اینکه لازمه انتقال طلب، جابه‌جایی طلب از دارایی طلبکار به دارایی دیگری است، در این جابه‌جایی، منتقل‌آلیه از هر حیث جانشین ناقل می‌شود و از همان مزایا برخوردار خواهد بود و در مقابل بدهکار نمی‌تواند بیش از آنچه انتقال گرفته است، ادعا نماید و یا دفاعی را که مدیون می‌توانست در برابر انتقال‌دهنده نماید را متوجه خود نداند؛^۲ بنابراین با توجه به قانون انگلیس و اصول قراردادهای اروپایی، اصل بر این است که متعهد می‌تواند کلیه ایرادهای قابل طرح از سوی او در مقابل ناقل و همچنین هر حق تهاتری را که تا زمان وصول اخطار واگذاری در مقابل ناقل داشته است را نسبت به منتقل‌آلیه اعمال نماید.

(c) the power to give a good discharge for the same without the concurrence of the assignor:

Provided that, if the debtor, trustee or other person liable in respect of such debt or thing in action has notice— (a) that the assignment is disputed by the assignor or any person claiming under him; or

(b) of any other opposing or conflicting claims to such debt or thing in action; he may, if he thinks fit, either call upon the persons making claim thereto to interplead concerning the same, or pay the debt or other thing in action into court under the provisions of the M15 Trustee Act, 1925

1. Flessner, Axel & Verhagen, Hendric, *Assignment in European Private International Law: Claims as Property and the European Commission's ROME I proposal*, op. cit, p 64.

۲. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول (تهران: مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴)، ص

شایان ذکر است که در نظام حقوقی ایران مقررهای درخصوص اخطار کتبی به متعهد مبنی بر انتقال طلب وجود ندارد و براساس ماده ۲۷۱ و ۲۷۲ قانون مدنی، تأدیة دین به غیر از شخص دائن و یا به کسی که از طرف او وکالت دارد و یا به کسی که قانوناً حق قبض دارد، صحیح نیست، مگر اینکه دائن رضایت خویش را اعلام کند. البته بند ۲ ماده ۳۸ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ از مدیون ناآگاه حمایت کرده و براساس آن هرگاه مدیون بدهی خود را بعد از انتقال به دائن سابق تأدیة نماید، منتقل‌آلیه حق رجوع به او را نخواهد داشت، مگر اینکه ثابت کند که قبل از تأدیة، این انتقال را به اطلاع مدیون رسانیده و یا اینکه مدیون به وسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است.

بنابراین برخلاف نظام حقوقی انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی که در آن، اخطار کتبی به متعهد مبنی بر انتقال طلب الزامی است و در صورت عدم اخطار، منتقل‌آلیه علی‌الرغم انتقال طلب به ایشان، نمی‌تواند از همان مزایایی که ناقل از آن‌ها بهره‌مند می‌گردیده است، برخوردار گردد و در نتیجه منتقل‌آلیه حقوق کم‌تری نسبت به ناقل کسب می‌نماید، اخطار کتبی به متعهد در قانون ایران پس از انتقال طلب مقرر نگردیده است. همین موضوع نیز یکی از ایرادات مهم درخصوص انتقال طلب است؛ زیرا یکی از حقوق اساسی متعهد، آگاهی از شخصی است که باید تعهد نسبت به او اجرا گردد. البته براساس قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ منتقل‌آلیه می‌تواند با اثبات اینکه قبل از تأدیة، انتقال طلب را به اطلاع مدیون رسانیده است و یا اینکه مدیون به وسیله دیگری از انتقال طلب مطلع گردیده، از مسئولیت مبری گردد.

۴. تعیین شخص دارای حق اجرا

یکی دیگر از جنبه‌های اساسی حمایت از بدهکاران در انتقال طلب، تعیین شخص مستحق اجرای تعهد است. در ساده‌ترین حالت، پس از انتقال طلب و اخطار کتبی، مدیون موظف به اجرای تعهد در برابر منتقل‌آلیه است. با این حال، از آنجایی که معمولاً وقفه زمانی میان انتقال طلب و اخطار انتقال طلب وجود دارد، این خطر برای بدهکار وجود دارد که نسبت به انجام

تعهد به شخص اشتباهی اقدام گردد و در نهایت مجبور به انجام مجدد آن تعهد گردد؛^۱ لذا در حالت ایدئال، قوانین مربوط به انتقال طلب باید از بدهکاران دارای حُسن نیت در برابر هرگونه ضرر احتمالی محافظت نمایند.

۴-۱. شیوه های تعیین شخص مستحق اجرا

پس از انتقال طلب، بدهکار ممکن است با درخواست مختلفی از سوی اشخاص متعددی به عنوان ناقل و منتقل‌آلیه در انجام تعهد مواجه شود و مدیون باید بدو شخص مستحق را تعیین نماید؛ لذا حمایت از بدهکار در این شرایط زمانی مؤثر است که قواعد مربوطه در انتقال طلب به او اجازه دهد تا بستانکار را به راحتی شناسایی و در صورت شک به او، حق درخواست اطلاعات اضافی یا اثبات واگذاری از ناقل (ها) و منتقل‌آلیه (ها) را داشته باشد. در این خصوص، جهت تعیین شخص مستحق اجرا می‌توان به دو قاعده مهم اشاره کرد. قاعده اول، قاعده «Prior Tempore Potior Jure» است که به موجب آن، نخستین انتقال گیرنده بر اساس تاریخ انتقال بر سایر افراد ارجحیت می‌یابد، لیکن رویکرد دوم قاعده‌ای است که در پرونده «Dearle v Hall»^۲ اتخاذ گردید و به موجب آن بر اخطار کتبی به مدیون تأکید می‌گردد؛ بنابراین برخلاف قاعده «Prior Tempore Potior Jure» که در آن تاریخ انتقال ملاک می‌باشد، در قاعده «Dearle v Hall» تاریخ اخطار کتبی به مدیون مدنظر است.^۳ البته به نظر می‌رسد که این قاعده، خلاف منافع خریدار دارای حُسن نیت باشد، ولی این مزیت را دارد که دیگر مدیون مکلف به تحقیق و تفحص در خصوص انتقال طلب نیست. البته در

1. Miller, Laurie & Sarna, Lazar, "ASSIGNMENTS OF BOOK DEBTS: PROTECTION OF THIRD PARTIES IN QUEBEC", op. cit, p 641

۲. Dearle v Hall مربوط به تضاد ایجاد شده بین دو منتقل‌آلیه متوالی از مزایای صندوق امانی سالیانه که توسط متولیان نگهداری می‌گردید ایجاد گردید. در این پرونده از آنجایی که منتقل‌آلیه دوم در صدد اطمینان از این موضوع بوده است که حق واگذار شده قبلاً منتقل نشده است، از متولیان سؤال نمود و آن‌ها به او اطلاع دادند که هیچ معامله قبلی صورت نگرفته است. با انصراف از قوانین موجود، مقرر شد، همان‌طور که منتقل‌آلیه دوم در ابتدا اعلام نمود، منافع او باید غالب باشد.

3. Q. Keasbey, Edward, "Notice of Assignments in Equity", *The Yale Law Journal*, Vol. 19, No. 4, (1910), p258.

حقوق انگلیس جهت تعدیل قاعده «Prior Tempore Potior Jure» می‌توان به بخش ۱۳۶(۱) قانون مالکیت انگلیس مصوب ۱۹۲۵ اشاره کرد که به موجب آن، در صورت ایجاد اختلاف بین اشخاص، متعهد می‌تواند مبلغ مورد نظر را به دادگاه پرداخت کند که در این صورت، دادگاه بر اساس قانون «Trustee Act»، همانند امینی اقدام می‌کند.

اصول حقوق قراردادهای اروپایی نیز طیف وسیعی از اقدامات را برای محافظت از بدهکاران در این شرایط در نظر گرفته است. ماده ۱۱:۳۰۳ (۲) اصول قراردادهای اروپایی به بدهکار این حق را اعطا می‌کند که در صورتی که اخطار واگذاری توسط منتقل‌آلیه داده شود، از انجام کار خودداری کرده و «دلایل موثق مبنی بر واگذاری» را درخواست کند. البته به منظور محافظت از منتقل‌آلیه در برابر اعمال سوءاستفاده از این دفاع، اصول قراردادهای اروپایی، حق بدهکار برای درخواست شواهد در «زمان معقول» را پس از دریافت اخطار مقید کرده است. به علاوه، ماده ۱۱:۳۰۴ اصول حقوق قراردادهای اروپایی از بدهکارانی که نسبت به اجرای تعهد نسبت به منتقل‌آلیه عمل کرده‌اند، محافظت می‌کند. با بیان اینکه، بدهکاری که طبق ماده ۱۱:۳۰۳ به نفع شخصی که در اخطاریه واگذاری مشخص شده است، انجام تعهد نماید مبرّی می‌شود، مگر اینکه مشخص گردد که بدهکار نمی‌توانسته از امر مستحق نبودن آن شخص، بی‌اطلاع باشد. به عبارت دیگر در صورتی که مدیون پیش از دریافت اخطاریه کتبی از انتقال طلب مطلع شده باشد، مجاز به انجام تعهد نسبت به ناقل نخواهد بود و باید نسبت به انجام تعهد در قبال منتقل‌آلیه اقدام کند.^۲

بنابراین طبق اصول حقوق قراردادهای اروپایی، بدهکار با انجام تعهد در قبال شخصی که خود را منتقل‌آلیه معرفی نموده و اخطار کتبی نیز در این خصوص دریافت نموده است، از هرگونه مسئولیتی مبرّاً شده و هیچ‌گونه تکلیفی جهت تحقیق، تفحص و یافتن شخص منتقل‌آلیه ندارد. همین قاعده در حقوق ایران نیز اجرا می‌گردد و چنانچه ناقل متعهد را از انتقال طلب مطلع نماید، متعهد با اجرای تعهد نسبت به منتقل‌آلیه از هرگونه مسئولیتی مبرّی

1. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/Geo5/15-16/20/section/136/enacted>.
 2. F. Salomons, Arthur, "Deformalisation of Assignment Law and the Position of the Debtor in European Property Law", op. cit , p9.

می‌گردد و چنانچه منتقل‌الیه متعهد را از انتقال طلب مطلع نماید، مدیون با استناد به ماده ۳۸ قانون اعسار از هرگونه مسئولیتی مبری خواهد گردید.

۴-۲. انجام تعهد توسط مدیون نسبت به ناقل بدون دریافت اخطاریه کتبی

در صورتی که انتقال طلب بین ناقل و منتقل‌الیه صورت پذیرد و مدیون پیش از دریافت اخطاریه رسمی نسبت به انجام تعهد به ناقل اقدام کند، اجرای مجدد تعهد توسط مدیون غیرمنصفانه است. حقوق سایر کشورها همانند انگلیس و فرانسه نیز در چنین شرایطی، مدیون را از اجرای مجدد تعهد مبری و ضرر ناشی از آن را به طرفین واگذار می‌کنند. در قانون انگلیس دو نوع انتقال، تحت عناوین انتقال قانونی و انتقال عادلانه طلب وجود دارد. طبق ماده ۱۳۶ قانون مالکیت انگلیس، برای اعتبار انتقال قانونی هر طلب، اخطار کتبی که توسط ناقل یا منتقل‌الیه به بدهکار داده می‌شود، الزامی است.^۱ البته جهت اعتبار انتقال عادلانه طلب، کتبی بودن اخطار و تنظیم آن در فرم‌های مخصوص، الزامی نیست و حتی در برخی مواقع اخطار شفاهی نیز کفایت می‌کند.^۲ شایان ذکر است در صورت ذکر تاریخ اشتباه، اخطاریه ارسال شده به بدهکار نامعتبر تلقی می‌گردد، در حالی که عدم اشاره به تاریخ واگذاری، چنین تأثیری نخواهد داشت. حمایت از بدهکاران نیز این تفاوت رفتار را توضیح می‌دهد؛ چراکه تاریخ اشتباه موجب گمراهی بدهکار می‌گردد، در حالی که اخطاریه‌ای بدون اشاره به تاریخ واگذاری به سادگی به بدهکار اطلاع می‌دهد که حق مزبور واگذار شده است. ضرورت حمایت از بدهکاران نیز توضیح می‌دهد که چرا اخطاریه واگذاری از لحظه دریافت آن توسط مدیون نافذ است و مهم‌تر از همه، در صورت عدم وجود اخطار، بدهکار با انجام دادن به ناقل بری می‌شود و در مقابل، اخطاریه مانع از پذیرش درخواست مدیون جهت پیوستن

1. Ho Tham, Chee, "Notice of assignment and discharge by performance", op. cit, p 39-41.

2. L. Briggs, L, "Assignment of Choses in Action", *Journal of Accountancy*, Vol 49, Iss 5, Article 2, (1930), p 431.

And Walton, peter, "Assignments of Book Debts – outright transfers of rights or unregistered securities?", op. cit, p 6.

ناقل به دادرسی خواهد شد.^۱ در حقوق انگلیس، پس از دریافت اخطاریه انتقال قانونی طلب،^۲ بدهکار موظف به انجام تعهد در برابر منتقل‌الیه است^۳ و هیچ‌گونه تکلیفی در قبال ناقل ندارد. همین قاعده در مورد واگذاری‌های عادلانه،^۴ حتی اگر فقط بخشی از طلب انتقال یافته باشد، نیز صدق می‌کند. در انتقال عادلانه طلب اگرچه اخطار کتبی به مدیون الزامی نیست اما برای حفظ حق تقدم منتقل‌الیه جهت مراجعه به مدیون ضروری است.^۵ پیامد دیگر، مخصوصاً در مورد واگذاری عادلانه، این است که ناقل دیگر نمی‌تواند به‌تنهایی از مدیون شکایت کند؛ زیرا او موظف است که منتقل‌الیه را به دادرسی جلب کند و در صورتی که واگذارنده به نام خود درخواست اجرا کند، چنانچه فقط بخشی از آن طلب را واگذار کرده باشد، درخواست به صورت کلی یا به‌طور جزئی رد خواهد شد.^۶ صرف اطلاع ساده از یک واگذاری قانونی، تأثیری در براثت مدیون ندارد؛ زیرا واگذاری به‌عنوان یک واگذاری قانونی، معتبر نیست. با این حال در اغلب موارد اگر فقط اخطار کتبی مفقود باشد، واگذاری به‌عنوان یک واگذاری منصفانه معتبر خواهد بود که در این صورت متعهد می‌تواند تا زمان دریافت اخطاریه رسمی از انجام تعهد خودداری کند.

در اصول حقوق قراردادهای اروپایی، الزامی مبنی بر مکتوب بودن انتقال طلب وجود ندارد و انتقال طلب به هر دو صورت کتبی و شفاهی محقق گردیده و به هر شیوه‌ای همانند شهادت قابل اثبات است. ماده ۷۱۱:۳۰۴ اصول حقوق قراردادهای اروپایی همانند قوانین

1. Andersons, Toms, "Can the assignment of a financial claim be regarded as a financial instrument?", op. cit, p15.

2. statutory assignment

۳. سادات دولتی، تکتم؛ اندرز، داود؛ امیرزاده جیرکلی، منصور، «انتقال طلب در نظام حقوقی ایران و اصول قراردادهای اروپا در پرتو حقوق نرم، پیشین، ص ۱۰۴۴.

4. equitable assignments

5. Walton, peter, "Assignments of Book Debts – outright transfers of rights or unregistered securities?", *Wolverhampton Law Journal*, vol 1, issue 1, (2018), p16.

6. Walton, peter, op. cit, p13.

7. Article 11:304 Protectin of Debtor

A debtor who performs in favour of a person identified as assignee in a notice of assignment under Article 11:303 is discharged unless the debtor could not

انگلیس به اطلاعیه کتبی انتقال طلب به مدیون اشاره گردیده است.^۱ مزیت اصلی اختطاریه کتبی این است که اثبات اختطاریه را تسهیل می کند که هم برای گیرنده و هم برای بدهکار مفید است. ماده ۱۱:۳۰۳ (۱) اصول قراردادهای اروپایی مقرر می دارد که اختطاریه باید «به صورت متعارف» بیانگر این باشد که حق منتقل شده است و نشان دهد که حق واگذار شده باید به منتقل‌آلیه انجام شود و براساس ماده ۱۱:۳۰۳ (۴) اصول قراردادهای اروپایی همانند قانون انگلیس در صورت عدم اختطاریه کتبی به مدیون و متعاقباً اجرای تعهد توسط مدیون نسبت به ناقل، مدیون از هرگونه مسئولیتی بری‌الذمه می شود. ماده ۱۱:۳۰۳ (۱) اصول قراردادهای اروپایی این اصل را بیان می کند که بدهکار ملزم به انجام تعهد به منتقل‌آلیه است «اگر و صرفاً در صورتی که» اختطاریه کتبی مبنی بر واگذاری به او داده شود، که «به طور منطقی ادعای واگذار شده را مشخص می کند و بدهکار ملتزم به اجرای تعهد به منتقل‌آلیه است»؛ با این حال اصول قرارداد های اروپایی به بدهکار اجازه نمی دهد که یک اختطاریه ناقص واگذاری را نادیده بگیرد و او را از انجام دادن به انتقال دهنده باز می دارد. بدین ترتیب دو گزینه اساسی پیش روی بدهکار است: اول، عدم انجام تعهد و دوم، انجام دادن تعهد نسبت به منتقل‌آلیه.

have been unaware that such person was not the person entitled to performance.

1. F. Salomons, Arthur, "Deformalisation of Assignment Law and the Position of the Debtor in European Property Law", op. cit, p13-14.

2. Article 11:303 Effect on Debtor's Obligation

(1) Subject to Articles 11:301, 11:302, 11:307 and 11:308, the debtor is bound to perform in favour of the assignee if and only if the debtor has received a notice in writing from the assignor or the assignee which reasonably identifies the claim which has been assigned and requires the debtor to give performance to the assignee.

(2) However, if such notice is given by the assignee, the debtor may within a reasonable time request the assignee to provide reliable evidence of the assignment, pending which the debtor may withhold performance. (3) Where the debtor has acquired knowledge of the assignment otherwise than by a notice conforming to paragraph (1), the debtor may either withhold performance from or give performance to the assignee.

(4) Where the debtor gives performance to the assignor, the debtor is discharged if and only if the performance is given without knowledge of the assignment.

ماده ۱۱:۳۰۳ (۴) منصرفات بیشتری را در خصوص ایفای تعهد نسبت به ناقل ارائه می‌کند، مبنی بر اینکه مدیون تنها در صورتی مبری می‌شود که او از این موضوع اطلاع نداشته باشد. سیستم ایجادشده توسط اصول قراردادهای اروپایی، حول دو ایده اصلی می‌چرخد. اولاً، بدهکار مجبور نیست قبل از دریافت اخطار معتبر واگذاری، نسبت به منتقل‌آلیه عمل کند. ثانیاً، از لحظه‌ای که بدهکار به آن موضوع آگاهی پیدا می‌کند از انجام تکلیف نسبت به ناقل منع می‌گردد، هرچند ملزم به ایفای تعهد نسبت به ناقل نباشد. با در نظر گرفتن تمام جنبه‌ها، مکانیسمی که توسط ماده ۱۱:۳۰۳ اصول قراردادهای اروپایی در نظر گرفته شده قابل ستایش است؛ زیرا راه‌حل متعادلی ارائه می‌دهد و منتقل‌آلیه در هیچ شرایطی حق ندارد که از او درخواست اجرا کند. به عبارت دیگر مدیون در صورت اطلاع از انتقال طلب در هیچ شرایطی نمی‌تواند نسبت به ایفای تعهد نسبت به ناقل اقدام نماید، در غیراین صورت مکلف به اجرای مجدد تعهد نسبت به منتقل‌آلیه است.^۱ مکانیسم اشاره شده به نفع مدیون است؛ چراکه در اصول قراردادهای اروپایی هیچ مکانیزمی ارائه نگردیده است که به بدهکار اجازه دهد تا نسبت به ایفای تعهد نسبت به یک شخص ثالث بی‌طرف اقدام کند و همین خلأ مدیون را در معرض خطر انجام تعهد نسبت به شخص نادرست قرار می‌دهد.

در حقوق ایران، در انتقال طلب برخلاف تبدیل تعهد رضایت مدیون شرط نیست، بلکه صرف اطلاع مدیون برای تحقق این موضوع کفایت می‌نماید؛ چراکه طلب جزئی از دارایی بستانکار است که می‌تواند آن را به هر شخصی انتقال دهد. این اطلاع نیز در حقوق ایران به هر نحوی ممکن است حاصل شود و دخالت مأمور اجرا و ابلاغ اخطاریه رسمی الزامی نیست.^۲ البته بر اساس بند ۲ ماده ۳۸ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ می‌توان استنباط کرد که اولاً آگاهی مدیون در انتقال طلب مؤثر است و ثانیاً این آگاهی به هر دو شیوه کتبی و شفاهی

1. F. Salomons, Arthur, op. cit, p11.

۲. سادات دولتی، تکتم؛ اندرز، داود؛ امیرزاده جیرکلی، منصور، «انتقال طلب در نظام حقوقی ایران و اصول قراردادهای اروپا در پرتو حقوق نرم»، مجله حقوق پزشکی و پژوهش‌های حقوقی، پیاپی ۵۶، بهار (۱۴۰۰)، ص ۱۰۴۹.

قابل تحقق است؛ بنابراین با توجه به اهمیت اخطار به متعهد در انتقال طلب می‌توان آثار مهم آن را به شرح ذیل برشمرد:

الف) در صورت اجرای تعهد توسط متعهد نسبت به ناقل پس از دریافت اخطار، متعهد از تعهد خود مبری نمی‌شود و باید مجدداً وجه را به منتقل‌آلیه بپردازد. این قاعده به «قاعده عدم براءت پس از اخطار»^۱ معروف است.^۲

ب) حق منتقل‌آلیه در برابر مدیون در برابر واگذاری‌های بعدی توسط ناقل به ترتیب تقدم اخطار، اولویت داشته و تعیین می‌گردد.^۳

نتیجه

در جوامع امروزی خصوصاً با توسعه علوم و پیشرفت مبادلات تجاری در سطح بین‌المللی و مبادلات اقتصادی تردیدی در صحت و اهمیت انتقال طلب وجود ندارد. علی‌رغم اهمیت این قاعده حقوقی، در نظام حقوقی ایران تاکنون صراحتاً به این مهم اشاره نشده و قاعده و قانون مشخصی برای آن تصویب نگردیده است. همین موضوع نیز منجر به اختلاف نظر میان مراجع قضایی در جواز یا عدم جواز انتقال طلب و استقلال این نهاد حقوقی از تبدیل تعهد شده است، اما می‌توان با استناد به برخی قوانین همانند ماده ۷۴۶ و ۳۲۱ قانون مدنی و ماده ۳۸ قانون اعسار و ماده ۲۶ قانون بیمه، وجود آن را در نظام حقوقی ایران و استقلال و تمایز آن را از نهاد حقوقی تبدیل تعهد اثبات کرد و اصل را بر جواز پذیرش انتقال طلب در نظام حقوقی ایران دانست؛ لذا با عنایت به پذیرش نهاد حقوقی انتقال طلب به عنوان یک نهاد حقوقی مستقل در نظام حقوقی ایران؛ آنچه در این پژوهش بررسی گردید، نحوه حمایت از مدیون در انتقال طلب در نظام حقوقی ایران و انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی

1. "no discharge after notice"

2. Tham, Chee Ho, *In defense of the no discharge after notice rule: A reply*, Lloyd's Maritime and Commercial Law Quarterly, op. cit, p559-565.

3. J. Kwass, Sidney, "Priorities Between Successive Assignments of the Same Right", *West Virginia Law Review*, Vol 36, Iss 4, Art 9, (1930), 368-370 and Ho Tham, Chee, "Notice of assignment and discharge by performance", op. cit, 38-39.

است. براساس این پژوهش، قواعد حقوقی تنظیم شده در خصوص انتقال طلب باید به گونه ای تنظیم گردد تا از مدیون محافظت نماید. اولین شیوه حفاظت از مدیون، قید شرط عدم انتقال در قراردادهای تنظیمی است که در هر سه نظام حقوقی پذیرفته شده است. علاوه بر این یک قاعده عمومی در انتقال طلب وجود دارد مبنی بر اینکه منتقل‌آلیه نمی‌تواند واجد حقوق بیشتری از ناقل گردد یا حتی در برخی مواقع ممکن است واجد حقوق کمتری نسبت به ناقل گردد که در نهایت مدیون از منافع این قاعده عمومی بهره‌مند خواهد گردید. ضمناً در صورتی که انتقال طلب بین ناقل و منتقل‌آلیه صورت پذیرد و مدیون پیش از دریافت اختاریه رسمی، نسبت به انجام تعهد به ناقل اقدام نماید، در این شرایط متعهد از اجرای مجدد تعهد مبری و ضرر ناشی از آن را به طرفین واگذار می‌کنند؛ لذا در مقاله مزبور بیان گردید:

۱. اصل جواز انتقال طلب، در هر سه نظام حقوقی ایران و انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی پذیرفته شده است؛ مگر این که خلاف آن بنا بر دلایل قطعی اثبات یا اینکه محدودیت‌های قانونی و قراردادی مانع از این انتقال گردد.

۲. انتقال طلب در اصول حقوق قراردادهای اروپایی، برخلاف حقوق ایران و انگلیس که به هر دو صورت ارادی و غیرارادی متبلور می‌گردد، صرفاً به صورت ارادی محقق می‌شود و ماهیتی قراردادی دارد.

۳. جهت حمایت از مدیون در انتقال طلب باید دو اصل مهم را مدنظر قرار داد. اولین اصل عبارت است از این که منتقل‌آلیه نمی‌تواند واجد حقوق بیشتری از ناقل گردد و دومین اصل نیز این است که در برخی مواقع ممکن است منتقل‌آلیه واجد حقوق کمتری نسبت به ناقل گردد.

۴. در قاعده «Prior Tempore Potior Jure»، نخستین انتقال گیرنده بر اساس تاریخ انتقال و در قاعده‌ای که در پرونده «Dearle v Hall» اتخاذ گردید، تاریخ اختاریه کتبی به مدیون جهت تعیین شخص مستحق اجرا ملاک عمل قرار می‌گیرد.

۵. در نظام حقوقی انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی، اخطار کتبی به متعهد مبنی بر انتقال طلب الزامی است؛ اما در خصوص اخطار کتبی به متعهد پس از انتقال طلب در قانون ایران مقررهای تنظیم نگردیده است. همین موضوع نیز یکی از ایرادات مهم در خصوص

انتقال طلب است. البته براساس قانون اعسار، منتقل‌آلیه می‌تواند با اثبات اینکه قبل از تأدیه، انتقال طلب را به اطلاع مدیون رسانیده است یا اینکه مدیون به وسیله دیگری از انتقال طلب مطلع گردیده، از مسئولیت مبری گردد؛ بنابراین در حقوق ایران، آگاهی مدیون در انتقال طلب مؤثر است و این آگاهی به هر دو شیوه کتبی و شفاهی قابل تحقق است.

لذا جهت رفع چالش‌های این مهم در نظام حقوقی ایران پیشنهاد می‌گردد:

نخست، ضرورت تدوین و وضع قوانینی جامع در ارتباط با نهاد حقوقی انتقال طلب و تخصیص عنوانی مستقل برای آن در قانون مدنی با توجه به اهمیت بسیار زیاد این نهاد حقوقی و خصوصاً با توجه به با گسترش مراودات در حوزه تجارت بین‌الملل و افزایش سرعت مبادلات، به صورت جدی احساس می‌شود.

دوم، همانند حقوق انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی در حقوق ایران نیز باید اخطار کتبی به مدیون مبنی بر انتقال طلب به صورت اظهارنامه یا توسط مأموران دادگاه الزامی گردد؛ زیرا در این حالت از ایجاد هرگونه اختلاف خودداری و در نهایت منجر به کاهش میزان دعاوی و افزایش سرعت رسیدگی در دادگاه‌ها می‌گردد.

سوم، به نظر می‌رسد جهت تعیین شخص مستحقّ اجرا، حمایت از مدیون ایجاب می‌کند که مدیون پس از اجرای تعهد نسبت به شخصی که بدو اخطار کتبی آن شخص را دریافت نموده است، از مسئولیت مبری گردد.

منابع

فارسی

بزرگمهر، داود، یزدانیان، علیرضا، «بررسی تطبیقی نهاد انتقال ارادی طلب»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۲ (۱۳۸۸).

جعفری لنگروی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲).
سادات دولتی، تکتم؛ اندرز، داود؛ امیرزاده جیرکلی، منصور، «انتقال طلب در نظام حقوقی ایران و اصول قراردادهای اروپا در پرتو حقوق نرم»، *مجله حقوق پزشکی ویژه نامه نوآوری حقوقی*، پیاپی ۵۶، بهار (۱۴۰۰).

سکوتی نسیمی، رضا؛ غریبه، علی؛ جاوید، علی، «تأثیر انتقال تعهد اصلی بر عقود تبعی آن در حقوق ایران و فرانسه»، *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال هشتم، شماره ۴ (۱۳۹۹).

شعاریان، ابراهیم، *انتقال قرارداد (نظریه عمومی - عقود معین)*، چاپ اول، (تبریز: نشر فروزش، ۱۳۸۸).

شعاریان، ابراهیم؛ ترابی، ابراهیم، *اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)*، (تبریز: انتشارات فروزش، ۱۳۹۱).

فصیحی زاده، علیرضا؛ حسینی خاتون آبادی، سید نصیر؛ فصیحی زاده، محمدامین، «تحلیل دوگانگی انتقال طلب و تبدیل تعهد به اعتبار متعهدله در حقوق ایران»، *نشریه پژوهش های حقوقی*، دوره ۲۰، شماره ۴۷ (۱۴۰۰).

قنواتی، جلیل، «اصول حقوق قراردادهای اروپایی: حامل سنتها، پاسخگوی نیازها»، *دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی*، دوره صفر، شماره ۱۷ (۱۳۸۸).

عراقی، سید عزت اله؛ جلالی، حسین؛ پیرهادی، محمدرضا، «بررسی نهاد انتقال حقوق دینی در ایران، انگلیس و اسناد بین المللی»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۸، شماره ۴ (۱۳۹۷).

کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، (تهران: موسسه نشر یلدا، ۱۳۷۴).

کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ سی و ششم، ویرایش چهارم، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲).

کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی- نظریه عمومی تعهدات، چاپ دهم، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۴۰۰).

کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ هفتاد و شش، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹).

میرزائزاد جویباری، اکبر، «انتقال طلب و آثار آن»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، شماره ۹، زمستان (۱۳۹۳).

یزدانیان، علیرضا؛ بزرگمهر، داوود، «فقهی حقوقی طرق انتقال ارادی طلب با نگاهی تطبیقی به حقوق فرانسه»، مجله علمی پژوهشی حقوق خصوصی، دوره ۸، شماره ۱ (۱۳۹۰).

عربی

سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی الشرح القانون المدنی الجدید، ج ۳، چ اول (۱۹۵۲ م).

References

English

- Allcock, Bob, "Restrictions on the Assignment of Contractual Rights, The Cambridge Law Journal", Volume 42, Issue 2, (2009).
- Andersons, Toms, "Can the assignment of a financial claim be regarded as a financial instrument?", MASTER'S THESIS, RIGA Graduate school of law (2018).
- Bridge, Michael G, "The nature of assignment and non-assignment clauses", Law Quarterly Review, 132 (Jan) (2015).
- C Hartley, Trevor, "Choice of law regarding the voluntary assignment of contractual obligations under the Rome I regulation", International and Comparative Law Quarterly, VOL 60, issue 1, (2011).
- Delivorias, Angelos, "Law applicable to the third-party effects of assignments of claims", EPRS | European Parliamentary Research Service, (2022).

[https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2018/623546/EPRS_BRI\(2018\)623546_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2018/623546/EPRS_BRI(2018)623546_EN.pdf)

- Flessner, Axel & Verhagen, Hendric, "Assignment in European Private International Law: Claims as Property and the European Commission's ROME 1 proposal", EUROPEAN LAW Publishers, (2006).
https://books.google.com/books?hl=fa&lr=&id=E5Wbnrn_OQEC&oi=fnd&pg=PR5&dq=+Transferee+in+principles+of+European+contract+law&ots=ziSBqPgjaf&sig=t2jxib1izEjL4sw04Ji2QPsT1M#v=onepage&q&f=false
- F. Salomons, Arthur, "Deformalisation of Assignment Law and the Position of the Debtor in European Property Law", Centre for the Study of European Contract Law Working Paper Series No. 2007/01, (2007).
<file:///E:/SSRN-id968654.pdf>
- Gao, Lingyun, Flexibility in Assignment of Contractual Rights: Assignment of Account Receivables, (2015).
<https://www.ulapland.fi/loader.aspx?id=45d70ab9-8c76-45ad-9f1f-e87d86525335>
- Gullifer, Louise, "Should Clauses Prohibiting Assignment be Overridden by Statute?", The Penn State Journal of Law & International Affairs, volume 4, issue 1, (2015).
<https://elibrary.law.psu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1105&context=jlia>
- Ho Tham, Chee, "Notice of assignment and discharge by performance", Lloyd's Maritime and Commercial Law Quarterly, Research Collection School Of Law (1), (2010).
https://ink.library.smu.edu.sg/cgi/viewcontent.cgi?article=3024&context=sol_research
- İpek, Mertcan (2016). "Assignment of contractual rights and its impact on arbitration agreements", Marmara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Hukuk Araştırmaları Dergisi 22.1, (2016).
<https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/274363>
- J. Kwass, Sidney, "Priorities Between Successive Assignments of the Same Right", West Virginia Law Review, Vol 36, Iss 4, Art 9, (1930).
<https://researchrepository.wvu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=5394&context=wvlr>
- John Tolhurst, Gregory, "The Assignment of Contractual Rights", a thesis submitted in fulfillment of the requirements of the degree of Doctor of Philosophy University of New South Wales, (2003).
<http://www5.austlii.edu.au/au/journals/UNSWLawTD/2003/1.pdf>
- Késmárki-Mészáros, Gyöngyi, "The transfer of contract", Cultural Relations Quarterly Review, Vol.1, Issue 3, (2014).
http://culturalrelations.org/Review/CRQR_01_03/CRQR_01_03_Gyongyi-Kesmarki-Meszáros_The-transfer-of-contract.pdf

Kirby, Justine, "Assignments and Transfers of Contractual Duties: Integrating Theory and Practice", Victoria university of wellington law review, vol 31, no 2, (2000).

<https://ojs.victoria.ac.nz/vuwlr/article/view/5956/5221>

Lando, Ole & Clive, Eric & Prüm, André & Zimmerman, Reinhard, the principle of european *contract law* , part III, prepared by the commission on european contract law , kluwer law international, the hague , London, Boston, (2003).

L. Briggs, L, "Assignment of Choses in Action", Journal of Accountancy, Vol 49, Iss 5, Article 2, (1930).

<https://egrove.olemiss.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1170&context=jofa>

MacMahon, Paul, "RETHINKING ASSIGNABILITY", the Cambridge law journal, vol 79, issue 2, (2020).

http://eprints.lse.ac.uk/106993/1/Rethinking_Assignability_2.pdf

MILLER, LAURIE & SARNA, LAZAR, "ASSIGNMENTS OF BOOK DEBTS: PROTECTION OF THIRD PARTIES IN QUEBEC", The Canadian Bar Review, Vol 59, No 4, (1981).

<https://cbr.cba.org/index.php/cbr/article/view/3035>

Pollock F. & Maitland F.W, The History of English Law, (Washington: Lawyers Literary Club, 1959).

Q. Keasbey, Edward, "Notice of Assignments in Equity", The Yale Law Journal, Vol. 19, No. 4, (1910).

Sebok, Anthony, "Going Bare in the Law of Assignments: When is an Assignment Champertous?", FIU Law Review, vol 14, Number 1, Article 9, (2020).

<https://ecollections.law.fiu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1419&context=lawreview>

Tham, Chee Ho, In defense of the no discharge after notice rule: A reply, Lloyd's Maritime and Commercial Law Quarterly, Research Collection School Of Law, (2010).

https://ink.library.smu.edu.sg/cgi/viewcontent.cgi?article=4169&context=sol_research

Treitel, G.H., An outline of the law of Contract, (London: Butterworths, 1989).

Walton, peter, "Assignments of Book Debts – outright transfers of rights or unregistered securities?", Wolverhampton Law Journal, vol 1, issue 1, (2018).

<https://www.wlv.ac.uk/media/departments/faculty-of-social-sciences/documents/wolverhampton-law-journal/4.-P-Walton.pdf>

French

Chantepie, Gael et Latina, Mathias, La reforme du droit des obligations. Commentaire theorique et pratique dans L'ordre du Code Civil, (Paris: Dalloz, 2016).

- Marty, Gabriel & Pierre, Raynaud & Jestaz, Philippe, Droit civil. Les obligations, T. 2. 2^e. Éd, (Sirey, 1989)
- Terre, Francois et simler, philippe et Lequette, Yves et Chenede, Francois, droit civil Les obligations, (Paris: Dalloz, 2019).

Translated References into English

- Bozorgmehr, Davoud, Yazdani, Alireza, "Comparative study of voluntary transfer institution", Encyclopaedia of Law and Politics, No. 12 (2009). [In Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar, Legal Terminology, (Tehran: Ganj Danesh Publications, 1993). [In Persian]
- Sadat dolaty, tektem; Anders, Davoud; Amirzadeh Jir-Keli, Mansour, "Transmission of debt in the Iranian legal system and the principles of European contracts in the light of soft law", Journal of Medical Law, Special issue of Legal Innovation, serial 56, spring (2021). [In Persian]
- Sokoti Nasimi, Reza; Gharibeh, Ali; Javeed, Ali, "The Impact of the Cession of Original Obligation on Accessory Contracts in Iranian and French Law", Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws, 8th year, number 4 (2020). [In Persian]
- Shaareyan, Ebrahim, transfer of contract (general theory - specific contracts), first edition, (Tabriz: Forozesh Publishing, 2009). [In Persian]
- Shaareyan, Ibrahim; Torabi, Ebrahim, Principles of European contract law and Iranian law (Comparative study), (Tabriz: Forozesh Publications, 2012). [In Persian]
- Fasihzadeh, Alireza; Hosseini Khatunabadi, Seyed Nasir; Fasihzadeh, Mohammad Amin, "A Contrastive Study of Cession of Claim and Novation by Substitution of Creditor in Iranian Legal System", Journal of Legal Research, Volume 20, Number 47 (2021). [In Persian]
- Ghanavati, Jalil, "Principles of European contract law: bearer of traditions, responsive to needs", biannual scientific journal of comparative law, zero period, number 17 (2009). [In Persian]
- Iraqi, Seyyed Ezzatullah; Jalali, Hossein; Pirhadi, Mohammad Reza, "STUDY OF INSTITUTION OF TRANSFER OF INCORPOREAL RIGHTS IN IRAN, ENGLISH AND INTERNATIONAL INSTRUMENTS", Private Law Studies Quarterly, Volume 48, Number 4, (2018). [In Persian]
- Katouzian, Nasser, Civil Rights: General Theory of Obligations, first edition, (Tehran: Yalda Publishing House, 1995). [In Persian]
- Katouzian, Nasser, Civil Law in the Current Legal Order, 36th edition, 4th edition, (Tehran: Mizan Legal Foundation, 2013). [In Persian]
- Katouzian, Nasser, Civil Rights - General Theory of Obligations, 10th edition, (Tehran: Mizan Legal Foundation, 2021). [In Persian]

Katouzian, Nasser, Introduction to the science of law and study in Iran's legal system, seventy-sixth edition, (Tehran: Sahami Publishing Company, 2010). [In Persian]

Mirzanjad Joybari, Akbar, "Transfer of Talab and its Effects", Rai Quarterly: Studies of Judicial Opinions, No. 9, Winter (2014). [In Persian]

Yazdanian, Alireza; Bozorgmehr, Davoud, "A Legal and Jurisprudential Study about the Ways of Intentional Assignment of Entitlements in Comparison with French Law", Scientific Research Journal of Private Law, Volume 8, Number 1 (2011). [In Persian]

استناد به این مقاله: تقی پور درزی نقیعی، محمدحسین؛ موسوی خطیر، سیده طاهره. (۱۴۰۲). حمایت از بدهکاران در انتقال طلب با نگاهی به حقوق کشورهای ایران و انگلیس و اصول حقوق قراردادهای اروپایی، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۵): ۲۰۱-۲۳۵. doi: 10.22054/jplr.2024.73925.2752



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.